

Comparison of spiritual intelligence and self-control components in offender and non-offender individuals (Case study: gang member offenders of central prison, the city of Isfahan)

مقایسه زیرمقیاس‌های هوش معنوی و خودکنترلی در مجرمین نزاع دسته‌جمعی و افراد غیر مجرم (مطالعه موردی مجرمین نزاع دسته‌جمعی زندان مرکزی اصفهان)

Bahira Jalili.M.A.

Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran

Masoud Heidari. Ph.D.

Associate Professor Faculty of Humanities and Law, Department of Law, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran

بهیرا جلیلی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

مسعود حیدری*

استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Abstract

The aim of this study was to compare the spiritual intelligence and self-control in offender individuals and non-offender individuals and assess the correlation between these two groups. The statistic population was all gang members in central Isfahan prison and ordinary people residing in Isfahan. 100 gang members and 100 usual non-offenders were selected as sample using simple random method. both groups matched according to age, marital status, gender and education. The Spiritual Intelligence Questionnaire (King, 2008) and Self-Control Questionnaire (Tangney, 2004) were applied to collect data. The results of analysis of variance indicated that there was a significant difference between spiritual intelligence and its components (critical existential thinking, personal meaning production, transcendental awareness, conscious state expansion) and between self-control and its components (controversial self-control, initial self-control) of these two groups ($P \leq 0.01$), that is, offenders had less spiritual intelligence and self-control in relation to non-offenders. Therefore, significant differences were observed between these two groups ($P \leq 0.05$).

Keywords: spiritual intelligence, self-controlling, offenders, non-offenders

چکیده

هدف از این پژوهش مقایسه هوش معنوی و خودکنترلی در افراد مجرم و غیرمجرم و مقایسه این دو متغیر در دو گروه آزمودنی بود. جامعه آماری شامل کلیه مجرمین نزاع دسته‌جمعی زندان مرکزی اصفهان و افراد عادی غیرمجرم ساکن در شهر اصفهان بود. نمونه‌ها شامل ۱۰۰ نفر افراد مجرم و ۱۰۰ نفر افراد غیرمجرم بودند که به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده از لحاظ سن و تحصیلات یکسان انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه هوش معنوی (کینگ، ۲۰۰۸) و پرسشنامه خودکنترلی (تانجی، ۲۰۰۴) استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که بین نمره‌های هوش معنوی و خودکنترلی افراد مجرم و غیرمجرم تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P \leq 0.01$) به طوری که مجرمین از هوش معنوی و خودکنترلی پایین‌تری نسبت به افراد غیرمجرم برخوردار بودند. علاوه بر این تمامی زیرمقیاس‌های هوش معنوی (تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی، توسعه حالت هشجاری) و زیرمقیاس‌های خودکنترلی (خودکنترلی منع‌کننده و خودکنترلی اولیه) در گروه افراد مجرم از افراد غیرمجرم به طور معنی‌داری کمتر بود.

واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، خودکنترلی، افراد مجرم، افراد غیرمجرم.

*. نویسنده مسئول: masoud_heidari2@yahoo.com

ووصول: ۹۶/۰۹/۲۰ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۷

مقدمه

بزه^۱ و بزهکاری^۲ قدمتی به بلندای تاریخ بشریت دارد. از زمانی که انسان‌ها زندگی انفرادی را ترک گفته و به زندگی گروهی و اجتماعی روی آوردند جرم وجود داشته است. نزاع بر سر یافتن غذا و سرزمین مناسب‌تر برای زندگی و چشم‌داشت به دستاوردهای دیگران همیشه زمینه‌ساز ارتکاب جرمی همچون سرقت، قتل و چپاول بوده است. در طول تاریخ عوامل و انگیزه‌های ارتکاب جرم توسط افراد یک جامعه دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های بی‌شماری بوده است لذا شناخت این عوامل و ارائه راه‌حلی که با آن‌ها بتوان بزه و بزهکاری را در جامعه کنترل نمود همیشه یکی از دغدغه‌های جوامع بشری بوده است.

جرم یک مفهوم نسبی است که هر جامعه با توجه به هنجارها و ارزش‌های بنیادین خود تعریف خاصی از آن ارائه می‌دهد. به‌طور کلی می‌توان گفت جرم عملی برخلاف هنجارهای تعریف شده جامعه است و مجرم شخص هنجارشکنی است که به دلیل این هنجارشکنی از طرف جامعه شایسته سرزنش و مجازات است. در جوامع مختلف با توجه به قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی، نوع جرم و نحوه مقابله با آن نیز متفاوت است. از مجازات‌های سنگین همچون اعدام و حبس ابد برای جرائم خطرناک تا مجازات‌های سبک‌تر همچون حبس‌های کوتاه‌مدت و جریمه‌های نقدی همه و همه برگرفته از فرهنگ و باورهای ارزشی آن جامعه است که در این میان توجه صرف به اعمال مجازات بدون در نظر گرفتن علل و عوامل ایجاد جرم در کنترل و کاهش جرم در جامعه مثمر ثمر نخواهد بود. از این رو امروزه جرم‌شناسان سعی در شناخت علل و عوامل ایجاد جرم در جهت پیشگیری و کنترل آن در جامعه دارند. در جرم‌شناسی شناخت ویژگی‌های شخصیتی افراد مجرم و تجزیه و تحلیل رفتارهای ارتكابی آنان در شرایط مختلف، می‌تواند کمک شایان توجهی به شناخت علل و عوامل ارتکاب جرم نماید.

یکی از فاکتورهای شخصیتی که می‌تواند در جرم‌شناسی کمک‌کننده و راه‌گشا باشد، خودکنترلی است. خودکنترلی

یکی از ویژگی‌های شخصیتی افراد است که در شرایط مختلف منجر به بروز رفتارهای متفاوتی در افراد می‌شود. خودکنترلی توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای یک خواسته در چهارچوب توانایی فرد در کنترل ارادی فرایندهای درونی و برون دادهای رفتاری است (قدیری، ۱۳۸۹). می‌توان گفت خودکنترلی یک نوع مراقبت درونی است که بر اساس آن وظایف محوله انجام و رفتارهای نابهنجار ترک می‌شوند بی‌آنکه نظارتی از خارج در کار باشد به عبارت دیگر فرد بدون توجه به نظارت خارجی تلاش خود را مصروف انجام وظیفه خود می‌نماید و مرتکب موارد سهل‌انگارانه نمی‌شود (مححص و معتمد لنگرودی، ۱۳۹۵). تحقیقات زیادی در خصوص تأثیر خودکنترلی بر ارتکاب جرم و بروز رفتارهای بزهکارانه توسط افراد انجام شده است و نتایج این تحقیقات گویای این مطلب است که افرادی که خودکنترلی پایین تری دارند بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای انحرافی هستند (پیکرو و همکاران، ۲۰۱۰؛ ورا و مون^۳، ۲۰۱۳). گات فردسن و هیرشی^۴ در نظریه عمومی جرم بیان می‌کنند که خودکنترلی پایین در افراد منجر به بروز رفتارهای انحرافی می‌شود و افرادی که از سطح خودکنترلی پایینی برخوردارند از روی انگیزه آنی و بدون تفکر عمل می‌کنند و افرادی بی‌احساس هستند. این افراد فعالیت‌های بدنی را در مقابل فعالیت‌های ذهنی ترجیح می‌دهند علاوه بر این ریسک‌پذیر، کوتاه‌بین و غیرکلامی هستند (مک مولن^۵، ۱۹۹۹ به نقل از عباسی اسفنجیر و همکاران، ۱۳۹۵). گات فردسن و هیرشی ضعف خودکنترلی را در دوران اولیه زندگی به عنوان عاملی پایدار و متشکل از شش جزء تشریح کردند. افراد با خودکنترلی ضعیف به موارد زیر گرایش دارند:

۱. ترجیح وظایف ساده و راحت بر وظایف مشکل که مستلزم پایداری است.
۲. جهت‌گیری خودمحورانه درباره علایق دیگران
۳. تکانشی و آنی بودن
۴. رفتارهای مخاطره‌جویانه
۵. ترجیح دادن فعالیت‌های فیزیکی بر فعالیت‌های ذهنی و ادراکی که به مهارت و طراحی نیاز دارد

1. Crime
3. Piquero et al.
5. Gottfredson and Hirschi

2. delinquency
4. Vera and Moon
6. McMullen

۶. ناشکیبایی به علت کم‌تحمیلی در برابر ناکامی‌ها (علی‌پوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲).

هاما و بیرگارد^۱ (۲۰۱۶) با بررسی رابطه جرائم جنسی و میزان خودکنترلی نشان دادند که خودکنترلی به میزان قابل توجهی ارتکاب رفتارهای مجرمانه در افراد را پیش‌بینی می‌کند. ویکستروم و تریبر^۲ (۲۰۰۷) نیز با بررسی نقش خودکنترلی در بروز رفتارهای جنایی نشان دادند که تمایل افراد به انجام اعمال انحرافی و خلاف بستگی به سطح خودکنترلی آن‌ها دارد و افراد با سطح خودکنترلی پایین بیشتر متمایل به انجام رفتارهای انحرافی دارند. چیونگ و چیونگ^۳ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان خودکنترلی، عوامل اجتماعی و بزهکاری: آزمون نظریه عمومی جرم در میان نوجوانان هنگ‌کنگی نشان دادند که هرچه میزان خودکنترلی در نوجوانان کمتر باشد تمایل به مصرف مواد و الکل در آن‌ها بالاتر است و نوجوانانی که خودکنترلی ضعیف‌تری دارند از پیوندهای اجتماعی ضعیف‌تری برخوردار هستند. بارون^۴ (۲۰۰۳) نیز با مطالعه خودکنترلی و رفتارهای بزهکاری بر روی ۴۰۰ نفر از جوانان بی‌خانمان نشان داد که جوانانی که مرتکب جرم و رفتارهای ضداجتماعی می‌شوند خودکنترلی پایینی دارند و بین خودکنترلی و ارتکاب جرم رابطه معنی‌دار وجود دارد. چانگ^۵ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان فشار، خودکنترلی و تفاوت جنسیتی در بزهکاری در بین نوجوانان چینی نشان داد نوجوانانی که خودکنترلی پایینی دارند گرایش بیشتری به انجام رفتارهای انحرافی دارند.

یکی دیگر از فاکتورهای شخصیتی که در شناخت و بررسی علل و عوامل ارتکاب جرم کمک شایانی می‌نماید هوش معنوی است. هوش معنوی یکی از مفاهیم مربوط به حوزه دین و معنویت است که به صورت گسترده مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. معنویت نیاز ذاتی انسان به اتصال به یک قدرت برتر است. چیزی که ما آن را به‌عنوان خدا یا وجود مقدس در نظر می‌گیریم. وجودی که نامحدود به زمان و مکان و منبع قدرت برتر است. این میل ذاتی برای ارتباط فراتر از دین و یا سنت خاصی است. هوش معنوی با

دین ارتباط نزدیکی دارد باید توجه داشت که دین به‌عنوان یک سامانه وسیع که متشکل از برنامه‌های زیادی برای هدایت بشر است شامل عناصری از خودکنترلی نیز هست چراکه دین راهنمایی‌ها و قواعد خاص اخلاقی به‌منظور کنترل خویش برای امتناع از برخی رفتارها در اختیار فرد قرار می‌دهد (موسوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴). هوش معنوی برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز^۶ مطرح شد و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط ایمونز^۷ گسترش یافت (سهرابی، ۱۳۸۷). هوش معنوی در یافتن معنای زندگی به انسان کمک شایانی می‌کند (هالاما و استریزنک، ۲۰۰۴). ایمونز (۲۰۰۰) پیدایش سازه هوش معنوی را به‌عنوان کاربرد ظرفیت‌ها و منابع معنوی در زمینه‌ها و موقعیت عملی در نظر می‌گیرد. به عبارتی افراد زمانی هوش معنوی را به کار می‌گیرند که بخواهند از ظرفیت‌ها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات هستی یا تلاش در جهت حل مسئله روزانه استفاده کنند. وی هوش معنوی را چهارچوبی برای تشخیص و سازمان‌دهی مهارت‌ها و قابلیت‌هایی که مستلزم کاربرد انطباقی معنویت تعریف می‌کند (صبحی قراملکی و پرزور، ۱۳۹۳). ناچاپیان و همکاران^۸ (۲۰۱۴) معتقدند که افراد با هوش معنوی بالاتر دارای مهارت‌های برقراری ارتباط، درک بین فردی و همدلی بالایی هستند. از نظر واگان^۹ (۲۰۰۲) هوش معنوی یکی از انواع هوش‌های چندگانه است که به‌طور مستقل می‌تواند رشد یابد و نیازمند شیوه‌های مختلف شناخت و وحدت زندگی درونی ذهن با زندگی در دنیای واقعی است. کینگ^{۱۰} (۲۰۰۸) هوش معنوی را چنین تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از قابلیت‌های سازش روانی مبتنی بر جنبه‌های غیرمادی و متعالی واقعیت است، ویژه آن‌هایی که با ماهیت هستی فرد، معنای شخصی، تعالی و سطوح بالاتر هشیاری مرتبط هستند. هنگامی که این قابلیت‌ها به کار بسته شوند توانایی منحصربه‌فرد مسئله‌گشایی، تفکر انتزاعی و کنار آمدن را تسهیل می‌کنند. وی چهار استعداد یا توانایی هسته‌ای برای هوش معنوی ارائه می‌دهد:

1. Ha Ma and Beauregard
3. Cheung and Cheung
5. Cheung
7. Emmons
9. Vaughan

2. Wikstrom and Treiber
4. Baron
6. Stevens
8. Nachiappanet al.
10. King

آن‌ها می‌توان از بروز جرائم پیشگیری نمود و یا حداقل از میزان آن در جامعه کاست لذا این پژوهش با بررسی دو فاکتور شخصیتی هوش معنوی و خودکنترلی مجرمان (مجرمان نزاع دسته‌جمعی زندان اصفهان) و مقایسه این فاکتورها با افراد غیرمجرم سعی در شناخت تأثیر این فاکتورهای شخصیتی در ارتکاب جرم توسط افراد دارد لذا فرضیه‌های این پژوهش عبارت بودند از:

۱. بین هوش معنوی و زیرمقیاس‌های آن در افراد مجرم و غیرمجرم تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
۲. بین خودکنترلی و زیرمقیاس‌های آن در افراد مجرم و غیرمجرم تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای و جامعه آماری کلیه مجرمین نزاع دسته‌جمعی زندان اصفهان و افراد عادی غیرمجرم ساکن شهر اصفهان بود. نمونه آماری این پژوهش شامل دو گروه بود. گروه اول تعداد ۱۰۰ نفر از مجرمین نزاع دسته‌جمعی زندان اصفهان بود که به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان زندانیان زندان مرکزی اصفهان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. گروه دوم شامل ۱۰۰ نفر از افراد عادی غیرمجرم ساکن شهر اصفهان که به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده از لحاظ سن و تحصیلات با افراد مجرم یکسان انتخاب شدند.

ابزار سنجش

پرسشنامه هوش معنوی^۳: در این پژوهش از پرسشنامه هوش معنوی که در سال ۲۰۰۸ توسط دیوید کینگ با هدف سنجش میزان هوش معنوی افراد ساخته شد استفاده گردیده است. این پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال و ۴ خرده‌مقیاس به شرح زیر است:

۱. تفکر انتقادی وجودی: این زیرمقیاس دارای ۷ سؤال است و نمره کل آن بین ۰-۲۸ می‌باشد.
۲. تولید معنای شخصی: این زیرمقیاس دارای ۵ سؤال است و نمره کل آن بین ۰-۲۰ است.

۱. تفکر انتقادی وجودی که عبارت است از استعداد تفکر انتقادی درباره گوهر وجود، واقعیت، گیتی، مکان، زمان و موضوع‌های وجودی و متافیزیک و توانایی تفکر درباره موضوع‌های غیر وجودی مرتبط با وجود فرد.

۲. تولید معنای شخصی که عبارت است از توانایی استنتاج مفهوم و معنای شخصی از همه تجارب جسمی و ذهنی، از جمله توانایی ایجاد هدف زندگی.

۳. آگاهی متعالی که عبارت است از استعداد تشخیص ابعاد و چهارچوب‌های متعالی خود، دیگران و دنیای مادی در خلال حالت‌های طبیعی هشیاری، همراه با استعداد تشخیص ارتباط آن‌ها با خود فرد و با دنیای مادی.

۴. بسط حالت هشیاری که عبارت است از توانایی داخل و خارج شدن از حالت‌های بالای هشیاری، مانند مدیتیشن، دعا و امثال آن (آقابابی و همکاران، ۱۳۹۰).

مطالعه بر روی نقش دین و معنویت در حفظ نظم جامعه و جلوگیری از ارتکاب اعمال بزهکارانه و خلاف قانون همواره مورد توجه محققان بوده است. مطالعات گوناگونی در این زمینه انجام شده است که گویای نقش مؤثر دین و معنویت در کاهش گرایش افراد به سمت اعمال خلاف و غیرقانونی است. خسروشاهی و جوادی حسین‌آبادی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تحلیل رابطه مؤلفه هویت دینی و پیشگیری از جرم نشان دادند که بین هویت دینی و ارتکاب جرائم رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد به این معنا که با افزایش میزان دین‌داری، نرخ ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. در مطالعه‌ای که توسط بایر و رایت^۱ (۲۰۰۱) در خصوص رابطه دین‌داری و ارتکاب جرم انجام شد نتایج نشان داد که اعتقادات دینی و مذهبی منجر به بازدارندگی متوسطی در رفتار انحراف‌آمیز افراد دارد. رایبسون و همکاران^۲ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی تغییرات شش‌ماهه معنویت، مذهبی بودن و نوشیدن الکل نشان دادند که شرکت در جلسات مذهبی و افزایش سطح گرایش‌های معنوی، به‌طور معنی‌داری باعث کاهش مصرف الکل در افراد می‌شود.

با توجه به اینکه بزهکاری معلول عوامل متعددی است و مبارزه با جرم و کج‌روی‌های اجتماعی منوط به شناخت این عوامل است و با از بین بردن این عوامل و یا کاهش اثرات

1. Baier and Wright
3. Spiritual Intelligence Questionnaire

2. Robinson et al.

۰/۹۱ به دست آورد. سبقتی و امامی‌پور (۱۳۹۴) نیز با پژوهش بر روی یک نمونه ۳۵۴ نفری از دانش‌آموزان پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۰ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد. دو نمونه از سؤال‌های این پرسشنامه: «در برابر وسوسه انجام کارها به خوبی مقاومت می‌کنم»، «برای من ترک عادت‌های بد و نامناسب دشوار است».

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها از طریق آزمون t مستقل، تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون با کمک نرم‌افزار SPSS¹⁶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی افراد مجرم و غیرمجرم را بر اساس متغیر هوش معنوی و زیرمقیاس‌های آن نشان می‌دهد. بر طبق نتایج این جدول، میانگین نمره کل هوش معنوی افراد مجرم از افراد غیرمجرم کمتر است. همچنین میانگین همه زیرمقیاس‌های هوش معنوی نیز در افراد مجرم کمتر از افراد غیرمجرم است.

جدول ۲ شاخص‌های توصیفی افراد مجرم و غیرمجرم را بر اساس متغیر خودکنترلی و زیرمقیاس‌های آن نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود میانگین نمره کل خودکنترلی و کلیه زیرمقیاس‌ها در افراد مجرم کمتر از افراد غیرمجرم است.

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس هوش معنوی و زیرمقیاس‌های آن در جدول ۳ نشان داده شده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که بین میانگین متغیر هوش معنوی و همچنین زیرمقیاس‌های تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالت هشیاری در افراد مجرم و غیرمجرم تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P \leq 0/01$). با توجه به نتایج این جدول و جدول ۱ میانگین هوش معنوی و زیرمقیاس‌های هوش معنوی در افراد مجرم به‌طور معنی‌داری کمتر از افراد غیرمجرم است. با توجه به این نتایج، فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار در هوش معنوی و کلیه زیرمقیاس‌ها در افراد مجرم و غیرمجرم تأیید شد.

۳. آگاهی متعالی: این زیرمقیاس دارای ۷ سؤال است و نمره کل آن بین ۰-۲۸ می‌باشد.

۴. توسعه حالت هشیاری: این زیرمقیاس دارای ۵ سؤال است و نمره کل آن بین ۰-۲۰ است.

در این پرسشنامه هر سؤال ۵ گزینه دارد و به روش لیکرت پنج‌درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود و پاسخگو به هر سؤال در یک طیف کاملاً نادرست تا کاملاً درست پاسخ می‌دهد. نمره کل از مجموع نمرات چهار زیرمقیاس به دست می‌آید و هرچه فرد نمره بالاتری به دست آورد دارای هوش معنوی بیشتری است. کینگ و دسی‌کو^۱ (۲۰۰۹) پایایی این پرسشنامه را برحسب ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌های تفکر انتقادی وجودی ۰/۷۸، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، آگاهی متعالی ۰/۸۷ و توسعه حالت هوشیاری را ۰/۹۱ به دست آوردند. در ایران نیز رقیب و همکاران (۱۳۸۹) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آوردند که نشان از اعتبار بالای این پرسشنامه دارد. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد. دو نمونه از سؤال‌های این پرسشنامه: «اغلب درباره ماهیت هستی سؤال و تفکر می‌کنم»، «من می‌توانم مطابق با هدفم در زندگی تصمیم بگیرم».

پرسشنامه خودکنترلی^۲: در این پژوهش از پرسشنامه فرم کوتاه خودکنترلی که توسط تانجی^۳ و همکاران در سال ۲۰۰۴ به منظور ارزیابی میزان خودکنترلی افراد بر خویشتن ساخته شد استفاده گردیده است. فرم اصلی این پرسشنامه دارای ۳۶ سؤال بوده که تانجی و همکاران فرم کوتاه آن را نیز ارائه کردند. فرم کوتاه پرسشنامه دارای ۱۳ سؤال و ۲ خرده‌مقیاس خودکنترلی اولیه و خودکنترلی منع‌کننده است که در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای ساخته شده است. طیف پاسخگویی آزمودنی‌ها از اصلاً تا خیلی زیاد است. حداقل نمره افراد در آزمون ۱۳ و حداکثر نمره ۶۵ است و کسب نمره بیشتر نشان‌دهنده خودکنترلی رفتاری بیشتر در افراد است. پایایی پرسشنامه توسط تانجی و همکاران (۲۰۰۴) با آزمایش بر روی دو نمونه آماری مجزا با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و ۰/۸۵ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار بالای این پرسشنامه است. در ایران احمدی جویباری (۱۳۹۶) پایایی پرسشنامه را بر مبنای ضریب آلفای کرونباخ

1. King and DeCicco
3. Tangney

2. Self-Control Questionnaire

جدول ۱. شاخص های توصیفی نمرات هوش معنوی آزمودنی ها

آماره	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
هوش معنوی	مجرم	۱۰۰	۴۰/۴۸	۱۰/۸۹
	غیرمجرم	۱۰۰	۶۴/۵۵	۱۱/۳۴
تفکر انتقادی وجودی	مجرم	۱۰۰	۱۴/۴۲	۴/۲۳۳
	غیرمجرم	۱۰۰	۱۸/۹۱	۳/۶۹۵
تولید معنای شخصی	مجرم	۱۰۰	۱۰/۴۹	۳/۰۲۷
	غیرمجرم	۱۰۰	۱۴/۱۹	۳/۲۴۰
آگاهی متعالی	مجرم	۱۰۰	۱۴/۳۶	۳/۸۶۷
	غیرمجرم	۱۰۰	۱۸/۵۸	۳/۱۸۶
توسعه حالت هشیاری	مجرم	۱۰۰	۹/۱	۳/۱۶۰
	غیرمجرم	۱۰۰	۱۲/۸۹	۳/۳۲۳

جدول ۲. شاخص های توصیفی نمرات خودکنترلی آزمودنی ها

آماره	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
خودکنترلی	مجرم	۱۰۰	۴۰/۰۳	۸/۳۶
	غیرمجرم	۱۰۰	۴۶/۲۰	۸/۲۷
خودکنترلی منع کننده	مجرم	۱۰۰	۱۷/۸۳	۳/۹۸۷
	غیرمجرم	۱۰۰	۲۰/۷۵	۳/۹۳۴
خودکنترلی اولیه	مجرم	۱۰۰	۱۲/۵	۲/۳۲۰
	غیرمجرم	۱۰۰	۱۴/۳۱	۲/۴۴۸

جدول ۳. تحلیل واریانس زیرمقیاس های هوش معنوی آزمودنی ها

آماره	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون	سطح معنی داری
هوش معنوی	۲۴۴۵۶/۷۵۰	۱۹۸	۱۲۳/۵۱۹	۱۰۵/۵۸۰	/۰۰۱
تفکر وجودی انتقادی	۳۱۲۶/۵۵۰	۱۹۸	۱۵/۷۹۱	۶۳/۸۳۶	۰/۰۰۱
تولید معنای شخصی	۱۹۴۶/۳۸۰	۱۹۸	۹/۸۳۰	۶۹/۶۳۲	۰/۰۰۱
آگاهی متعالی	۲۴۸۶	۱۹۸	۱۲/۵۵۶	۶۷/۵۹۷	۰/۰۰۱
توسعه حالت هشیاری	۲۰۸۲/۷۹۰	۱۹۸	۱۰/۵۱۹	۶۸/۲۷۶	۰/۰۰۱

در جدول ۴ نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس خودکنترلی و زیرمقیاس های آن نشان داده شده است. نتایج این جدول نشان می دهد که بین میانگین خودکنترلی و زیرمقیاس های خودکنترلی منع کننده و خودکنترلی اولیه در افراد مجرم و غیرمجرم تفاوت معنی دار وجود دارد ($P \leq 0/01$). با توجه به نتایج این جدول و جدول ۲ میانگین متغیر

خودکنترلی و کلیه زیرمقیاس های خودکنترلی در افراد مجرم به طور معنی داری کمتر از افراد غیرمجرم است؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنی دار خودکنترلی و تمامی زیرمقیاس ها در افراد مجرم و غیرمجرم مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۴. تحلیل واریانس زیرمقیاس‌های خودکنترلی آزمودنی‌ها

آماره	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات
خودکنترلی	۰/۰۰۱	۲۷/۵۳۶	۶۹/۱۲۶	۱۹۸	۱۳۶۸۶/۹۱۰
خودکنترلی منع‌کننده	۰/۰۰۱	۲۷/۱۶۹	۱۵/۶۹۱	۱۹۸	۳۱۰۶/۸۶۰
خودکنترلی اولیه	۰/۰۰۱	۲۸/۷۹۴	۵/۶۸۹	۱۹۸	۱۱۲۶/۳۹۰

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، مقایسه هوش معنوی و خودکنترلی در افراد مجرم و غیرمجرم بود. نتایج نشان داد که هوش معنوی افراد مجرم از افراد غیرمجرم همتای خود به‌طور معنی‌داری کمتر است. همچنین میانگین زیرمقیاس‌های هوش معنوی شامل تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالت هوشیاری نیز در افراد مجرم به‌طور معنی‌داری کمتر از افراد غیر مجرم است. تحقیقات زیادی که در زمینه نقش بازدارندگی معنویت و دین‌داری در جلوگیری از ارتکاب جرم انجام شده است بیانگر این واقعیت است که معنویت و باورهای دینی در کاهش گرایش افراد به اعمال بزهکارانه نقش بسزایی دارد بدین‌صورت که میزان ارتکاب جرم در میان افراد دین‌دار و با ادراک معنوی بالا نسبت به افرادی که عقاید دینی و معنوی ندارند کمتر است (بایر و رایت^۱، ۲۰۰۱؛ جانسون و همکاران^۲، ۲۰۰۰؛ رابینسون و همکاران، ۲۰۱۱). یافته‌های این پژوهش با نتایج این تحقیقات همسو است. حمید و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند که هوش معنوی به‌طور معناداری تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کند. از آنجاکه تاب‌آوری می‌تواند سطوح استرس و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل نماید (رحمانیان و همکاران، ۲۰۰۸) بنابراین در تبیین نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان گفت افرادی که هوش معنوی بالاتری دارند در شرایط و موقعیت‌های

حساس و بحرانی، با غلبه بر مشکلات می‌توانند سازگاری بیشتری با محیط داشته و تصمیمات صحیح‌تری اتخاذ نمایند و بنابراین احتمال ارتکاب اعمال خلاف و انحرافی در آنان به‌مراتب کمتر از دیگران است. یافته دیگر این پژوهش این بود که افراد مجرم به‌طور معنی‌داری از خودکنترلی کمتری نسبت به افراد غیرمجرم برخوردار می‌باشند و دو زیرمقیاس خودکنترلی منع‌کننده و خودکنترلی اولیه در افراد مجرم به‌طور معنی‌داری کمتر از افراد غیرمجرم بود. نظریه عمومی جرم و نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده توسط محققین مختلف بیانگر این مطلب است که احتمال گرایش به ارتکاب جرم و رفتارهای ناپه‌نچار اجتماعی در افرادی که خودکنترلی کمتری دارند بیشتر است. افرادی که سطح خودکنترلی پایینی دارند تمایل زیادی برای تجربه هیجان بدون توجه به عواقب طولانی‌مدت آن دارند. این افراد بدون توجه به منافع درازمدت خود و دیگران خصوصاً در زمانی که شرایط بالقوه لذت‌بخش برای آنان ایجاد شود ممکن است مرتکب جرم و جنایت شوند (تیبِت و مایرز^۳، ۱۹۹۹). یافته‌های پژوهش حاضر همسو با یافته‌های ورا و مون (۲۰۱۳)؛ فرایه و شیلدبرگ^۴ (۲۰۱۷) و سیمز بلکول و پی کوارو^۵ (۲۰۰۵) است بدین‌صورت که خودکنترلی پایین به‌طور مثبت و معنی‌داری انواع رفتارهای انحرافی و مجرمانه را پیش‌بینی می‌کند. امرام^۶ معتقد است که هوش معنوی نوعی توانایی است که باعث خودآگاهی، خودکنترلی، سلامت روان و درک

1. Baierand Wright
3. Tibbett and Myers
5. Simsblackwell and Piquero

2. Johnson
4. Friehe and Schildberg
6. Amram

کارگاه‌های آموزشی توسط نهادهای ذی‌ربط از جمله آموزش و پرورش و سازمان زندان‌ها مهارت‌های لازم جهت آشنایی و به دنبال آن افزایش این فاکتورهای شخصیتی به افراد آموزش داده شود. همچنین از آنجاکه معلمین پرورشی و فرهنگی ارتباط مستقیمی با دانش‌آموزان دارند پیشنهاد می‌گردد کلاس‌های آموزشی مرتبط با موضوعات این پژوهش برای آنان برگزار گردد تا بدین‌وسیله بتوانند در راستای پیشگیری از ارتکاب جرم توسط دانش‌آموزان اقدامات لازم را انجام دهند.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از همکاری مسئولین زندان مرکزی اصفهان که در انجام این تحقیق ما را یاری نمودند کمال تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

- آقابائی، ن.، فراهانی، ح. آ.، فاضلی مهرآبادی، ع. ر. (۱۳۹۰). هوش معنوی و بهزیستی فاعلی. *فصلنامه روانشناسی و دین*. ۴ (۳): ۸۳-۹۶.
- احمدی جویباری، م. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی (مطالعه موردی: شهر بابل). *فصلنامه روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی*. ۱ (۲): ۶۳-۷۰.
- حمید، ن.، کیخسروانی، م.، بابامیری، م.، دهقانی، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سلامت روان و هوش معنوی با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. *فصلنامه علمی پژوهشی جنتاشاپیر*. ۳ (۲): ۳۳۸-۳۳۱.
- خسروشاهی، ق. آ.، جوادی حسین‌آبادی، ح. (۱۳۹۵). تحلیل رابطه مؤلفه‌های هویت دینی و پیشگیری از جرم. *فصلنامه حقوق کیفری*. ۵ (۱۷): ۹۱-۱۲۵.
- رقیب، م.، سیادت، س. ع.، حکیمی‌نیا، ب.، احمدی، س. ج. (۱۳۸۹). اعتباریابی مقیاس هوش معنوی کینگ در دانشجویان دانشگاه اصفهان. *مجله دستاوردهای روان‌شناختی*. ۴ (۱): ۱۶۴-۱۴۱.
- سبقتی، ع. ر.، امامی پور، س. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای خودکنترلی در رابطه سبک‌های دلبستگی والدینی و راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*. ۱۲ (۲۶): ۵۱-۶۵.
- سهرابی، ف. (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی. *فصلنامه سلامت روان*. ۱ (۱): ۱۴-۱۸.

عمیق از معنای زندگی می‌شود (امرام ۲۰۰۹، به نقل از موسوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴). واگان نیز از هوش معنوی به‌عنوان هماهنگ‌کننده زندگی درونی با زندگی بیرونی یاد می‌کند. به نظر وی هوش معنوی برای شناسایی انتخاب‌هایی که در بهزیستی روان‌شناختی و رشد سلامتی بشر نقش دارند امری لازم و ضروری است (واگان، ۲۰۰۲).

درمجموع می‌توان بیان کرد که هوش معنوی و خودکنترلی به‌عنوان دو عامل تأثیرگذار در گرایش افراد به سمت اعمال انحرافی و مجرمانه بوده لذا آموزش مهارت‌های خودکنترلی به افراد و آشنایی بیشتر با امور معنوی و اخلاقی در جهت افزایش هوش معنوی و خودکنترلی می‌تواند به‌عنوان راهکاری در جهت پیشگیری از ارتکاب جرم و اعمال خلاف در جامعه باشد. لذا لازم است مسئولین نهادهای مختلف از جمله آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی که ارتباط مستقیمی با پرورش نسل فردای جامعه دارد و همچنین مسئولین زندان‌ها و مراکز اصلاح و تربیت که نقش مهمی در بازپروری و بازگرداندن مجرمین به بستر جامعه دارند با ارائه برنامه‌هایی در جهت شناسایی افراد با خودکنترلی کم، آموزش‌های لازم را جهت آشنایی هرچه بیشتر این افراد با مهارت‌های خودکنترلی و باورهای دینی و معنوی دهند، باشد که از این طریق از ارتکاب جرم توسط افراد و ارتکاب مجدد جرم توسط مجرمین جلوگیری به عمل آید و از این جهت نقش بسزایی در پیشگیری از ارتکاب جرم در سطح جامعه داشته باشند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی برای محققین همراه بوده است که از آن جمله می‌توان به عدم همکاری بعضی افراد اعم از مجرم و غیرمجرم در پاسخگویی کامل به سؤالات پرسشنامه‌ها اشاره نمود. همچنین تعداد زیاد سؤالات پرسشنامه‌ها سبب طولانی شدن زمان پاسخگویی و در نتیجه خستگی شرکت‌کنندگان در آزمون می‌شد که این امر منجر به عدم دقت کافی در پاسخگویی افراد می‌گردید. مجرمین مورد بررسی در این تحقیق مرتکبین مرد جرم نزاع دسته‌جمعی زندان اصفهان بودند لذا برای تعمیم نتایج به دست آمده به جرائم دیگر پیشنهاد می‌شود این پژوهش در مجرمین جرائم دیگر و همچنین در زنان مجرم نیز مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به تحقیقات انجام شده و اثرات مثبت خودکنترلی و هوش معنوی بر طرز رفتار افراد پیشنهاد می‌شود با برگزاری

and Delinquency Literature. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 16 (1): 32-52.

King, D.B. (2008). Personal Meaning Production as A Component of Spiritual Intelligence. Paper submitted for Presentation at The 5th Biennial International Conference on Personal Meaning.

King, D. B., Decicco, T. L. (2009). A viable Model and Self-Report Measure of Spiritual Intelligence. *Intervational Journal of Transpersonal Studies*, 28(1): 68-85.

Nachiappan, S., Andi, H. K., Veeran, V. P. K., Ahmad, A. I., Haji Mohd Zulkafaly, F. (2014). Analysis of Cognition Integration in Intelligence Quotient (IQ), Emotional Quotient (EQ) and Spiritual Quotient (SQ) in Transforming Cameron Highlands Youths through Hermeneutics Pedagogy. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 112, 888 – 897.

Piquero, N. L., Schoepfer, A., Langton, L. (2010). Completely Out of Control or the Desire to Be in Complete Control? How Low Self-Control and the Desire for Control Relate to Corporate Offending. *Crime and Delinquency*, 56: 627-647.

Robinson, A., Krentzman, A. R., Webb, J. R., Brower, K. J. (2011). Six-Month Changes in Spirituality, Religiousness, and Heavy Drinking in A Treatment- Seeking Sample. *Journal of Studies Alcohol and Drugs*, 72 (4): 660-668.

Rahimian, B., Asgarnejad, F. (2008). The relationship Between Tenacity and Technology and Mental Health in Youth and Adult Survivors of Earthquake in Bam City. *Iranian Journal of Psychiatry and Psychology*, 24: 373-383.

Smith, S. (2004). Exploring The Interaction of Emotional Intelligence and Spirituality. *Traumatology*, 10 (4): 231-243.

Simsblackwell, B., R.Piquero, A. (2005). On the Relationships Between Gender, Power Control, Self-Control and Crime. *Journal of Criminal Justice*, 33(1): 1-17.

Tangney, J., Baumeister, R.F., Boone, A.L. (2004). High Self-Control Predicts Good Adjustment, Less Pathology, Better Grades, and Interpersonal Success. *Journal of Personality*, 72 (2): 271-324.

Tibbett, S.G., Myers, D. (1999). Low Self-Control, Rational Choice and Student Test Cheating. *American Journal of Criminal Justice*, 23(2): 179-200.

Vaughan, F. (2002). What is Spiritual Intelligence?. *Journal of Humanistic Psychology*, 42(2): 16-33.

Vera, P., Moon, B. (2013). An Empirical Test of Low Self-Control Theory Among Hispanic Youth. *Violence and Juvenile Justice*, 11 (1): 79- 93.

Wikstrom, P. H., Treiber, K. (2007). The Role of Self-control in Crime Causation, *European Journal of Criminology*, 4(2): 237-264.

صبحی قراملکی، ن.، پرزور، پ. (۱۳۹۳). مقایسه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان و طلاب. *فصلنامه فرهنگ دانشگاه اسلامی*. ۴ (۲): ۳۱۰-۲۹۷.

عباسی اسفجیر، ع. آ.، رستمیان، ز.، باجان، ع.، بخشنده، آ. (۱۳۹۵). بررسی رابطه ابعاد خودکنترلی و رفتارهای انحرافی جوانان در قالب تئوری عمومی جرم. *فصلنامه دانش انتظامی*. ۷ (۳): ۴۰-۲۱.

علیوردی‌نیا، آ.، شارع پور، م.، مرادی، ف. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*. ۱ (۴): ۹۷-۶۹.

قدیری، م. ح. (۱۳۸۹). خودکنترلی کودک خمیرمایه خویشتن‌داری اخلاقی. *مجله راه تربیت*. ۵ (۱۱): ۱۱۶-۸۷.

مححص، م.، معتمدلنگرودی، ف. (۱۳۹۵). ابعاد خودکنترلی در اخلاق شهروندی بر اساس آموزه‌های علوی. *فصلنامه اخلاق زیستی*. ۶ (۲۱): ۸۸-۷۳.

موسوی مقدم، ر. آ.، هوری، س.، امید، ع.، ظهیری‌خواه، ن. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش معنوی با خودکنترلی و مکانیسم‌های دفاعی در دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه. *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*. ۲۵ (۱): ۶۴-۵۹.

Baron, S. W. (2003). Self-Control, Social Consequences and Criminal Behavior: Street youth and The General Theory of Crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 40(4): 403-425.

Baier, C., Wright, B. (2001). If You Love Me, Keep My Commandments: A Meta-analysis of The Effect of Religion on Crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 38(1):3-21.

Cheung, N.W.T., Cheung, Y.W. (2008). Self-control, Social Factors, and Delinquency: a Test of the General Theory of Crime among Adolescents in Hong Kong. *Journal of Youth and Adolescence*. 37 (4): 412-430.

Cheung, W. Yuet. (2010). Strain, Self- Control, and Gender Differences in Delinquency Among Chinese Adolescents: Extending General Strain Theory. *Sociological Perspectives*, 53(3): 321- 345.

Friehe, T., Schildberg-Horich, H. (2017). Self-Control and Crime Revisited: Disentangling The Effect of Self-Control on Risk Taking and Antisocial Behavior. *International Review of Law and Economics*, 49: 23-32.

Halama, P., strizenec, M. (2004). Spiritual, Existential or Both? Theoretical Considerations on The Nature of Higher Intelligence. *studia psychologica*, 43 (3):239-253.

Ha Ma, M.A., Beauregard, E. (2016). Sex Offending and Low Self-Control: An Extension and Test of The General Theory of Crime. *Journal of Criminal Justice*, 47:62-73.

Johnson, B.R, Deli, S., Larson D. B., Mccullough, M. (2000) . A Systematic Review of The Religiosity